



خصوصاً برای مخاطبان غربی بسیار مغتنم است؛ به ویژه آنکه در پایان هر کدام از این مجموعه‌ها استدراکات و نویافته‌هایشان در حوزه مرتبط با مقالات آن مجموعه دیده می‌شود که از تتبع روزافزون ایشان حکایت دارد. مثلاً در پایان همین کتابیات، صوابنامه‌ای برای چاپ دوم رساله ابلیس الی اخوانه المناحیس، چاپ بیروت (چاپ نخست آن در قم به همت خود ایشان چاپ شد) قرار دارد که مهم است (کتابیات، صص ۲۳۳-۲۳۶).

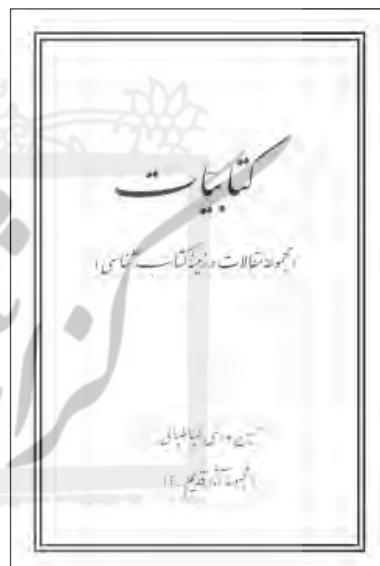
آنچه در این مجموعه هست و بیشتر در مجموعه‌ها و نشریات چاپ ایران و بعضاً خارج از کشور چاپ شده بوده از این قرار است:

چند اثر نویافته در مناظرات کلامی شیعی / رساله المختصر الکافی فی الکلام / مفاوضه‌ای در مسئله شیئیت معدوم / حافظ رجب برسی و کتاب مشارق الانوار او / ابوعلی الحداد الاصفهانی / آشنایی با اثری از افضل‌الدین محمد ترکه اصفهانی / چند اثر دیگر از ملا شمس‌گیلانی / دو رساله از آقا محمد بیدآبادی در سیر و سلوک / سه مکتوب از آقا محمد بیدآبادی / مزارات اصفهان در تاریخ سلطانی / مأخذی تازه برای تحقیقات مربوط به اصفهان / کتابچه ثبت موقوفات و خالصه‌جات کشور در دوره ناصری / فهرست نسخه‌های خطی فارسی و عربی کتابخانه کالج وادهام در اکسفورد / متفرقات (شامل: ا. سخن عماد کاتب؛ ب. از دفتر خاطرات بزرگان؛ ج. وفیات اهل قلم؛ د. مکاتبات و احتجاجات؛ ه. مقدمه‌ها؛ و. صوابنامه چاپ دوم رساله ابلیس حاکم جشمی) / فهرست نامه‌ها.

دو نکته گفتنی اینکه، دو مقاله نخست به بررسی رساله‌های فارسی کهنه‌ای از سده هفتم و هشتم در عقاید و کلام شیعی اختصاص دارد که در نسخه‌ای فوق‌العاده ارزشمند در کتابخانه مرعشی محفوظ است. رساله‌هایی که در این مقاله‌ها و نیز مقاله‌ای از مرحوم دانش‌پژوه در عامری‌نامه معرفی شد، بعدها در مجموعه «میراث اسلامی ایران» تصحیح و منتشر گردید. همچنین یکی از موارد پرداخته شده در این کتاب، اشاره به درگذشت مرحوم طهماسبی، سردبیر روزنامه استوار قم در بخش وفیات اهل قلم است که اخیراً بیشتر شماره‌های موجود آن توسط کتابخانه مجلس شورای اسلامی نشر الکترونیکی (در لوح فشرده) شده است.

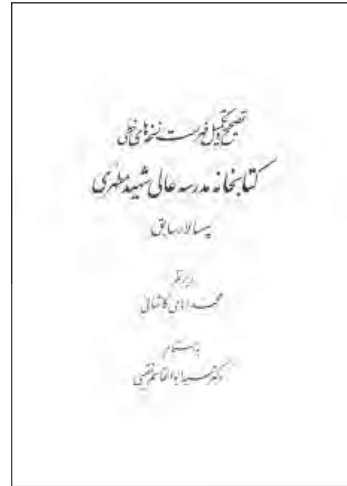
کریم کتابیار

کتابیات (مجموعه مقالات در زمینه کتابشناسی)، حسین مدرسی طباطبایی، مجموعه آثار قدیم ۴، نیوجرسی، ایالات متحده، مؤسسه انتشاراتی زاگرس، ۲۰۰۹م / ۱۳۸۷ش.



چهارمین کتاب از مجموعه آثار قدیم استاد مدرسی طباطبایی است که به همت نشر زاگرس در امریکا منتشر شده است. پیش از این، قمیات، شیعیات و سندیات و همچنین یک اثر دیگر از ایشان یعنی ذیل نفثة المصدور از ابوالرجای قمی توسط این نشر، چاپ و در نشریات ایران، از جمله همین گزارش میراث معرفی شده بود. مقالات متعدد استاد پیش از آنکه ایشان به فرنگ روند و در حوزه فقه و حقوق اسلامی تحصیلاتشان را تکمیل کنند در مجموعه‌ها و نشریات معتبر ایرانشناسی و اسلام‌شناسی چاپ می‌شد و اینک قرار گرفتن آنها در یک کتاب،

تصحیح و تکمیل فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار سابق)، به اهتمام سید ابوالقاسم نقیبه ازیر نظر محمد امامی کاشانی، مدرسه عالی شهید مطهری، تهران، ۱۳۸۸ش، ۱۸۷ص.



کتاب مشتمل است بر مقدمه ۳۷ صفحه‌ای اهتمام‌کننده و مابقی کتاب، عناوین ۷۹۲ کتاب و رساله است که در فهرس چاپ شده مدرسه مورد سهو و کم توجهی فهرست‌نگاران پیشین قرار گرفته و کوشنده محترم توانسته است با همکاری بخش خطی مدرسه، عناوین فهرست شده را با نسخه‌های خطی تطبیق دهد و اشتباهات و نادرستیهای فهرست‌نویسی را اصلاح کند.

مقدمه کتاب که بلافاصله پس از صفحه شناسنامه شروع می‌شود، حاوی شرح حال مؤسس مدرسه یعنی میرزا حسین‌خان سپهسالار (۱۲۴۱-۱۲۹۸ق)، تاریخچه ساخت مدرسه و مسجد (۱۲۹۶ق)، تأسیس کتابخانه و مدرسه (۱۲۹۷ق) بخشی از وقفنامه کتابخانه، آغاز فهرست‌نویسی نسخه‌های مدرسه (۱۳۰۴ش) و معرفی بخش خطی کتابخانه و تحولات پس از انقلاب است.

جلدهای اول و دوم فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه سپهسالار در سالهای ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۸ش به اهتمام ابن یوسف شیرازی تألیف گردید. این دو جلد به شیوه موضوعی و آثار هر کدام از موضوعات، در ذیل آن به شیوه الفبایی تنظیم شده است. جلد نخست معرف ۷۹۵ نسخه و جلد دوم شامل شناسایی ۱۲۹۵ نسخه بود اما همه نسخه‌های کتابخانه را شامل نمی‌شد. پس از آن، علینقی منزوی و مرحوم محمدتقی دانش‌پژوه جلد‌های سوم تا پنجم

فهرستهای کتابخانه را تنظیم کردند. شیوه ایشان بدینگونه بود که همه آثار مندرج در نسخه‌های کتابخانه را به صورت الفبایی فهرست کنند. این دو فهرست‌نگار، کار خود را بر پایه تمامی نسخه‌های کتابخانه - شامل آثاری که در دو جلد پیشین نیز شناسانده شده بود - انجام دادند.

فهرست اصلاحی و تکمیل - کتاب حاضر - بیشتر بر پایه همین سه جلد اخیرالذکر و با ساختار الفبایی تنظیم شده است و لذا با رساله «الآجرومیه» تألیف ابن آجروم آغاز شده و با منظومه «یوسف و زلیخا» به پایان می‌رسد. اهمیت معرفی و توصیف و فهرست‌نویسی حرفه‌ای نسخه‌های خطی کتابخانه‌ها بر کسی پوشیده نیست. فهرست در واقع کلید شناخت گنجینه‌های ناشناخته فرهنگ و تمدن اسلام و ایران است. آسیب‌شناسی و نقد و تصحیح خطاهای چشم و سهوالقلمهای فهرست‌نگاران گرانقدری که عمر پر خیر و برکت خود را مصروف شناسایی این آثار کرده‌اند، به همان اندازه از ارزش و اعتبار برخوردار است. در همین جا باید به اهتمام‌کننده خسته نباشید گفت که راهنمای جدیدی بر فهرس کتابخانه مدرسه سپهسالار پدید آورده است.

گفته شد که این کتابخانه ۴۲۰۰ نسخه خطی دارد (ص ۲۰) اما در جایی ندیدم که اشاره شود چند عنوان هنوز فهرست نشده و یا مجموعاً چند عنوان تاکنون در فهرس پنج‌جلدی مدرسه شناسانده شده است؛ اما گمان می‌رود که تمام نسخه‌های این کتابخانه در فهرست سه‌جلدی دانش‌پژوه و منزوی شناسانده شده است.

سهو و اشتباهات موجود در فهرس که اهتمام‌کنندگان محترم با مراجعه مجدد به نسخه‌های خطی متوجه شده‌اند و صورت اصلاح شده را در این فهرست تکمیلی آورده‌اند از چند موضوع خارج نیست و غالباً در مجموعه‌هاست که از چشم فهرست‌نگاران پیشین غایب مانده است.

برخی موارد، بدخوانی عنوان رساله است؛ مثلاً گفته شده است «آداب‌البحث» که در فهرست با عنوان «اصطلاحات المناظره» معرفی شده است (ص ۴۵). یا رساله‌ای از مؤلفی معروف فهرست نشده است؛ مثلاً «اثبات واجب» که از خواجه نصیرالدین طوسی است و در مجموعه ۵۵/۲۹۱۲ آمده، از قلم فهرست‌نویس محترم افتاده است (صص ۴۷-۴۸). یا بخشی از عنوان رساله در فهرست ذکر شده، مثل رساله «پیوند اشجار مثمر» که در فهرست با عنوان «پیوند» معرفی شده است (ص ۶۰).



انجیل نادرشاهی (اناجیل اربعه) ترجمه میرزا مهدی‌خان استرآبادی، به کوشش رسول جعفریان، نشر علم، تهران، ۱۳۸۸ش.

مسیحیان تنها ملتی هستند از بین ادیان و مذاهب جهان که از بدو پیدایش دین خود علاقه شدیدی به ترجمه کتب دینی خود به زبانهای مختلف نشان دادند و به تدریج آنها را به زبانهای بسیار جزئاً یا کلاً ترجمه کردند چنانکه اکنون متجاوز از هزار ترجمه از آنها وجود دارد. یهودیان چون دین خود را بسته و محدود به قوم بنی‌اسرائیل می‌دانستند علاقه‌ای به ترجمه تورات و کتب دیگر عهد عتیق به زبانهای دیگر نشان ندادند و فقط در ابتدا که به اسارت بابل و آشور درآمدند به تدریج زبان عبری را فراموش کردند و به زبان آرامی سخن گفتند و ناچار حاخامها و روحانیون آنها تورات را به طور شفاهی به آرامی ترجمه می‌کردند تا مؤمنان معنی آنها را دریابند و بعداً این ترجمه‌ها که تا حدی جنبه تفسیر هم داشت به کتابت درآمد و سایر کتب عهد عتیق هم به آرامی ترجمه شد و سپس ترجمه سبعینی از تورات به زبان یونانی به درخواست بطلمیوس دوم موسوم به فیلاذلفوس پادشاه مصر در قرن سوم پیش از میلاد به وسیله ۷۳ مترجم یهودی — طبق سنت مشهور — صورت گرفت و بعداً سایر کتب عهد عتیق هم به یونانی ترجمه شد که با تغییراتی هنوز باقی است. یهود بعداً این ترجمه را کنار گذاشتند به دو دلیل یکی آنکه این ترجمه یونانی با اصل عبری معتبری که یهود پذیرفته‌اند اختلاف بسیاری دارد و یهود اصل عبری را ترجیح می‌دهند دیگر آنکه مسیحیان فقط از ترجمه یونانی تورات و عهد عتیق استفاده می‌کردند و یهود برای جدا کردن خود از آنها فقط اصل عبری را ملاک قرار دادند و بعد از آن هم یهود علاقه‌ای به ترجمه کتب مقدسه خود به زبانهای دیگر نداشتند زیرا این کتابها را مخصوص جامعه بسته خود می‌دانستند و قصد ترویج آن را میان سایر ملل نداشتند و ندارند اما گهگاه برای استفاده جوامع عامی یهودی ترجمه‌هایی از بخشهایی از تورات ارائه می‌کردند که مخصوص همان جامعه بسته آنها بود و میان سایر مردم منتشر نمی‌شد.

نکته مهم این است که حضرت مسیح و شاگردانش

گاه نام مؤلف یا مترجم رساله در معرفی از قلم افتاده است؛ مثل رساله «جرثقیل» ترجمه میرزا ذکی مازندرانی (ص ۷۳). در مواردی موضوع رساله جای اسم رساله را گرفته است؛ مثل رساله «مرآةالمحققین» که با عنوان رساله عرفانی در فهرست معرفی شده است (ص ۱۲۶).

البته گاهی نیز فهرست‌نویسان پیشین، نامی را از سوی خود بر یک رساله نهاده‌اند و در کتاب حاضر نیز نامی به همانگونه برای آن اثر انتخاب شده است. در چنین مواردی باید گفت که هیچکدام از این دو نام نمی‌توانند دارای سندیت باشند. مثلاً در صفحه ۵۵ آمده است: «اصول دین» که با عنوان «کلام شیعی» از آن یاد شده است ظاهراً تمام فصول آن از کتاب زبده و مطالبی از کتب دیگر نیز در آن نقل شده است. آیا عنوان «اصول دین» در خود اثر یاد شده است؟ در غیر این صورت عنوان پیشنهادی جدید نسبت به عنوان پیشین برتری ندارد و چه بسا عنوان پیشین — که ویژگی «شیعی» بودن آن اثر را می‌نماید — گویاتر از عنوان جدید باشد. البته بررسی و داوری درباره این گونه موارد نیازمند دیدن نسخه‌ها است.

به هر روی، نگارش این فهرست تکمیلی به منزله معرفی مجدد بسیاری از نسخه‌های خطی ناشناخته به شمار می‌رود که محققان نسخه‌های خطی با مراجعه به نسخه‌ها و تصاویر آنها می‌توانند با مقایسه و مقابله نسخه‌های دیگر از هر عنوان به تحقیق و تصحیح آنها اهتمام کنند و به شکل کامل‌تری مکلف و اثر را معرفی و به جامعه فرهنگی و علمی کشور عرضه کنند.

یکی از بایسته‌های تدوین فهرست کتابخانه‌هایی چون کتابخانه سپهسالار این است که نمایه نسخه‌ها بر اساس شماره ترتیبی آنها نیز به دست داده شود. چنانکه یاد کردیم، آثار شناسانده شده در فهرس کتابخانه سپهسالار به ترتیب الفبایی تنظیم شده است؛ بنابراین هر کدام از آثار مندرج در مجموعه‌ها — که شمارشان در این کتابخانه کم نیست — به ترتیب الفبایی در فهرست درج شده‌اند. این در حالی است که گاهی لازم می‌شود یک پژوهشگر از دیگر مندرجات یک مجموعه آگاهی پیدا کند. مثلاً در مجموعه‌هایی که به قلم یک کاتب هستند، چه بسا تاریخ کتابت در انجمله یکی از آثار آن مجموعه موجود نباشد ولی از تاریخ مندرج در انجمله دیگر آثار موجود در آن بتوان به تاریخ نگارش آن بخش نیز دست پیدا کرد.

اکبر ایرانی

در فلسطین به زبان سریانی قدیم یعنی آرامی سخن می‌گفتند و چون شاگردان آن حضرت عموماً از توده مردم بودند بسیار بعید است که با زبان یونانی آشنا بوده باشند و زبان لاتین هم که زبان رسمی حکومت رومیان حاکم بر فلسطین بود در میان مردم رواجی نداشت. اما اناجیل اربعه و تمام کتب مقدسه مسیحیان صرفاً به زبان یونانی نوشته شده است آن هم به زبانی که با نقد ادبی محققان جدید معلوم شده است که رنگی از ترجمه ندارد. علاوه بر آن نویسندگان اناجیل اربعه و سایر کتب مسیحیان تورات و کتب عهد عتیق را فقط از ترجمه سبئینی یونانی می‌خواندند زیرا که تمام نقل قولهای این کتب از آن ترجمه است و حتی غلطها و خطاهای آن ترجمه نیز در این نقل قولها تکرار شده است و این نشان می‌دهد که اناجیل نویسه‌ها فقط یونانی می‌دانستند و از آرامی و حتی عبری اطلاع نداشتند و تحقیقات محققان جدید نشان می‌دهد که نویسندگان این اناجیل به کلی مجهول و نامشخص‌اند و حتی در نسخه‌های اولیه یونانی آنها نامی از متی و مرقس و لوقا و یوحنا نیست و این نامها را بعداً در قرن دوم میلادی از روی قرائنی بر این کتابها گذاشتند و لذا باید گفت که این اناجیل متصل به یک نص معتبر آرامی نبوده است و به همین لحاظ ترجمه آنها به اندازه خود آنها اعتبار یافته است در حالی که مثلاً قرآن دارای یک متن ثابت محقق عربی است و ترجمه‌های آن هرگز اعتبار اصل عربی آن را نیافته است و استناد به قرآن باید به اصل عربی آن باشد.

با این توضیحات روشن است که مسیحیان هر جا که بوده‌اند کتب مقدسه خود را فقط به ترجمه می‌شناختند و اصل یونانی آنها برای آنها مطرح نبوده است و کلیسای کاتولیک هم که ترجمه لاتینی کتب مسیحی را به عنوان متن معتبر و مقدس شمرده است و هنوز بدان پای‌بند است برای استناد هرگز به اصل یونانی آنها ارجاع نمی‌دهند و همان ترجمه لاتین را به جای اصل یونانی آنها معتبر می‌دانند.

ترجمه فارسی کتب مقدسه مسیحیان — که شامل تمام کتب یهودیان یعنی عهد عتیق هم هست — خود تاریخ مفصلی دارد و حتی ترجمه قسمتی از زبور داود به زبان فارسی میانه و به خط پهلوی کتابی

در ترفان چین به دست آمده است که تاریخ کتابت آن مربوط به قرن اول یا دوم هجری است و نیز در اواسط قرن سیزدهم میلادی ترجمه‌ای از اناجیل چهارگانه به وسیله شخصی که حدس زده‌اند عزالدین محمدبن مظفر وزیر گیخاتو خان مغول (مقتول در ۶۹۴ هجری قمری) بوده است به صورت مختلط به فارسی انجام گرفته است که احتمالاً از سریانی ترجمه شده است و آن را دیاتسارون نامیده‌اند که چاپ شده و موجود است در این ترجمه مطالب مرتبط به هم را از روی چهار اناجیل استخراج کرده و در کنار هم قرار داده است و لذا نمی‌توان آن را ترجمه دقیق اناجیل نامید.

حجت‌الاسلام رسول جعفریان که آثار بسیاری از متقدمان را چاپ و احیا کرده است سه ترجمه از اناجیل اربعه را که مربوط به سه زمان مختلف است برای نشر انتخاب کرده است: اول ترجمه اناجیل اربعه که به وسیله میرمحمد باقر بن اسماعیل حسینی خاتون‌آبادی (متوفی ۱۱۲۷) در عصر صفویه انجام گرفته است و در ۱۳۷۵ منتشر شد. دوم همین ترجمه مورد بحث ما یعنی اناجیل نادرشاهی است که به دستور نادرشاه به وسیله جمعی از علمای مسیحی و یهودی و مسلمان زیر نظر میرزا مهدی استرآبادی مورخ نادرشاه تهیه شده است و اکنون یعنی در سال ۱۳۸۸ منتشر گردیده است و سوم ترجمه سلماسی است که مربوط به دوره عباس میرزا در زمان قاجاریه است که آقای جعفریان درصددند بعداً منتشر کنند.

در مقدمه دو ترجمه نخست آقای جعفریان توضیحاتی درباره تاریخچه ترجمه اناجیل اربعه به فارسی ذکر کرده‌اند که علاقه‌مندان می‌توانند بدان مراجعه فرمایند و این دو ترجمه از بعضی جهات حائز اهمیت است یکی از نظر ادبی و زبانشناسی که متنی نسبتاً روان ارائه کرده‌اند و دیگر آنکه از تغییرات عمدی صهیونیستها در اناجیل که اخیراً در همه ترجمه‌ها به زبانهای مختلف اعمال می‌شود مبرا است. دیگر آنکه می‌توان با مطابقت آن با ترجمه‌های عربی و لاتین میزان دقت ترجمه و وابستگی آنها را به منابع اصلی مشخص کرد.

مصطفی ذاکری



## پیام بهارستان، فصلنامه اسناد، مطبوعات و متون، دوره دوم، سال اول، شماره دوم، بهار ۱۳۸۸ ش.

یکی از کارهای خوب اخیر مطبوعات، انتشار مجموعه‌هایی از اسناد و مدارک تاریخی یا رساله‌های کوچک راجع به موضوعات خاص است که می‌تواند ابزار خوبی برای محققان و مورخان باشد. این شماره پیام بهارستان که حاوی هزار صفحه از انواع اسناد ریز و درشت است شامل مطالب بسیار متنوعی است که نمی‌توان آنها را ذیل عنوانی خاص طبقه‌بندی کرد، از قبیل تاریخچه زندگی شیخ فضل‌الله نوری، سفرنامه به نقاط مختلف، انتشارات چاپخانه مجلس (حاوی فهرست جامعی از آنها و تاریخچه تأسیس آن)، مقررات باروکوبی در زمان ناصرالدین شاه، مستبدین مشروطه‌نما، رساله‌ای درباره قحطی شدید سال ۱۳۳۶ هجری قمری در اصفهان که مردم در اثر گرسنگی و بی‌غذایی در این سال دچار مرگ و میر شدند چنانکه گفته‌اند که حدود یک چهارم جمعیت کشور در این سال مردند و مردم برای سدّ جوع از حیوانات مرده و خون ذبیحه‌ها در سلاخ‌خانه و امثال آنها استفاده می‌کردند و حتی بر سر تقسیم یک حیوان مرده مانند اسب غوغایی برپا بود.

از مطالب دیگر، یکی نخستین بیانیه سید ضیاء بعد از رئیس‌الوزرا شدنش در سال ۱۲۹۹ شمسی است که خود را آزادیخواه و مخالف اصول ملوک‌الطوایفی و تاخت و تاز خوانین و طرفدار اصلاح عدلیه و مخالف با دخالت اجانب در سیاست ایران وانمود کرده است که با شیوه زندگی بعدی او بسیار منافات دارد. دیگر، مقاله ممتّعی درباره مطبوعات دولتی ایران در عصر قاجار و فهرست نسبتاً جامعی از آنهاست. مقاله‌ای درباره سازمان پرورش افکار در عصر پهلوی اول. متن کامل رساله «الفتوحات المدنیه» از آثار محیی‌الدین عربی درباره انسان کامل یا اسرار روزه که از روی نسخه‌ای خطی و نفیس افست شده است و این هم یکی از رساله‌های مختصر فراوان این عربی است که ظاهراً ماهی یا حتی روزی یکی از آنها را می‌نوشته است و البته همه در مسائل عرفانی خاص خود اوست.

نیز مقاله‌ای درباره طنز در روزنامه آذربایجان که

در اوایل مشروطیت منتشر می‌شده است و نمونه‌های جالبی از این طنزها و مقاله بسیار جالبی درباره مجله «اخبار مصور لندن» (The Illustrated London News) نخستین مجله خبری مصور جهان که از ۱۴ مه ۱۸۴۲ میلادی به بعد انتشار یافت و تاثیر شگرفی در تاریخ مطبوعات جهان داشت و ضمناً در آن اخبار ایران هم درج می‌شد. دیگر، مقاله جالبی است از ساخت پل ورسک در جاده فیروزکوه به سوی مازندران در ارتفاع ۱۱۰ متری از کف دره و با دهانه ۶۶ متر که در سال ۱۳۱۵ با هزینه دو میلیون و ششصد هزار ریال ساخته شد و رضاشاه از سازنده آن خواست که با خانواده‌اش زیر پل بایستند تا اولین قطار از روی آن رد شود و شاه مطمئن شود که آن پل استحکام کافی دارد.

دیگر، مقاله‌ای درباره رژیم پهلوی و همایش هفتم اکتبر ۱۹۳۸ قاهره در خصوص فلسطین است که از حضور نماینده‌ای در این همایش طفره رفتند و عملاً به تأسیس دولت غاصب اسرائیل کمک کردند. و مقاله‌ای درباره اینکه تدوین قانون مدنی ایران پیش از ظهور رضاخان پهلوی در عرصه سیاست صورت گرفته است ولی بعداً با نام او منتشر شده است و تدوین‌کننده آن مرحوم سید محمد فاطمی بوده است.

در مقاله کوتاه راجع به مجله نمکدان که میرزا عبدالحسین خان تفتی آیتی متخلص به آواره آن را از سال ۱۳۰۴ شمسی تا بهمن ۱۳۱۴ کلاً در چهارده شماره منتشر کرد به معرفی اجمالی این مجله کوچک پرداخته شده است و شاید بهتر بود که بیشتر درباره آن توضیح داده می‌شد. آیتی مدتها از مبلغین برجسته بهایی بود که در کشورهای مختلف بدین عنوان گردش کرد و با اهل بها عیش و عشرت فراوان نمود و کتابی هم درباره تاریخ این فرقه از دید عباس افندی نوشت به نام الکوکاب الدریه که ظاهراً هنوز هم مورد استفاده این فرقه است و سرانجام به خود آمد و به دین خود بازگشت و سه جلد کتاب به نام کشف‌الحیل در ردّ آیین ساختگی بهایی نوشت با یک ضمیمه که منتشر شد و نیز سه جلد ترجمه قرآن نوشته است که جابه‌جا در آن دعاوی بهاییان را از روی آیات قرآن رد کرده است.

باری عبدالحسین آیتی از آن پس به ادبیات روی

## اسناد موقوفات اصفهان [دفترهای ۳-۱۰]، سرپرست علمی سیدصادق حسینی اشکوری، مجمع ذخائر اسلامی، قم، ۱۳۸۸ش.

درباره «وقف» جای گفتگو بسیار می‌باشد و هنوز زوایای آن چنانکه باید مورد بررسی قرار نگرفته است. مهم‌ترین کاربرد وقف — که پیشینیان به خوبی از آن آگاهی داشتند — کاربرد آن در پشتیبانی از فعالیتهای فرهنگی و دینی بوده است. گزارشهایی از نمونه‌های کوچک و بزرگ آن نیز در متون دیده می‌شود. از مهم‌ترین این موقوفات می‌توان از مدارس نظامیه در بغداد — و برخی دیگر شهرهای بزرگ دوره سلجوقی — یاد کرد. از نمونه‌های متأخرتر آن در ایران نیز می‌توان به مسجد و مدرسه سپهسالار اشاره کرد. حتی برخی نمونه‌ها — همچون مستنصریه و نظامیه بغداد — جزو جایگاه‌های تأثیرگذار بر سیاست، فرهنگ و تمدن برخی ادوار اسلامی بوده‌اند، چنانکه بسیاری از شاگردان تربیت شده این مدارس به مقامهای بالای سیاسی و دینی روزگار خود دست می‌یافتند.



یکی از مهمترین دلایلی که موجب شده است تا پژوهشهای اندکی درباره «وقف» صورت بگیرد، دور بودن اسناد وقف از دسترس پژوهشگران است. این امر گاهی ماحصل دشواری بررسی این‌گونه اسناد — مثلاً از دیدگاه خطوط مندرج در سندها و همچنین آگندگی سندها از نامهای اشخاص و اماکن و همچنین برخی اصطلاحات ویژه اسناد — بوده است. گاهی نیز این دشواریها به دلیل حساسیتهایی بوده است که از سوی برخی متولیان اوقاف در برابر انتشار اسناد ابراز می‌شد؛ هرچند که در سالهای اخیر اندکی از این حساسیتهها کاسته شده است

آورد و یک فرهنگ کوچک فارسی به نام فرهنگ آیتی بر حسب تعداد حروف کلمات منتشر کرد یعنی اول کلمات دو حرفی و سپس سه حرفی و غیره را به همین ترتیب تنظیم کرده است. اما از مجله نمکدان که به قطع جیبی منتشر می‌شد حقیر سه شماره از آن را دارم (خانه سوم و خانه دهم و یازدهم با هم و خانه دوازدهم و منظور از خانه شماره مجله است). خانه سوم از دوره اول چاپ دیماه ۱۳۰۸ در ۶۴ صفحه حاوی قطعات متفرقه شعر و نثر است که اشعارش تقریباً همه از خود آیتی است و بیشتر جنبه لطیفه و فکاهی دارد و گاهی تمایلی به فارسی سره نشان می‌دهد، مثلاً لغزطبیعت را چیستان‌منش ترجمه کرده است. خانه توأمان دهم و یازدهم حاوی چکامه هزاربیتی است همه با قافیه الف حاوی دهها لطیفه و حکایت است و غالباً چندان لطفی ندارد. اما خانه دوازدهم گرچه مانند خانه سوم حاوی حکایات و لطایف کوتاه به شعر و نثر است، اما بحثی در آن راجع به تبدیل مصطلحات عروض است به فارسی که نام بحور نوزده‌گانه را از عربی به فارسی برگردانده است و نیز نام زحافها را هم فارسی کرده است و سرانجام به جای افاعیل که اوزان شعر را نشان می‌دهد از فعل سراپیدن استفاده کرده است و گمان کنم این اولین قدم در راه تغییر نظام عروض خلیل‌بن احمد در زبان فارسی بوده است مثلاً بحر مدید را بهر جانفزا و بحر متقارب را رزم‌آور نام نهاده و بحر خفیف را بهر سبک و رمل را ژرف و مخبون را دامن‌دار و مجحوف را بی‌دامن نامیده است و مثلاً بحر رمل مثنی مخبون را — که بهر ژرف دامن‌دار نامیده است — بر وزن «می‌سرایم بسرودم بسرودم» دانسته و بهر سبک بی‌دامن را بر وزن «می‌سرایم سرود می‌بسرا» و خلاصه آنکه این مجله بیشتر تفننی است. اما در چاپ پیام بهارستان غلطهایی به چشم می‌خورد مثلاً «معصیت» به جای «مصیبت» (ص ۵۷). «هم» به جای «همه» (ص ۳۳۴ چهارسطر به آخر) و New به جای News (ص ۶۶۹) اما بدتر از همه انتساب یک اثر به نام سید حیدر آملی را در صفحه ۱۰۱ و تمام عناوین صفحات بعد همین مقاله به غلط انتصاب با صاد چاپ کرده‌اند.

مصطفی ذاکری



گزارش میراث

و شاهد انتشار برخی کتابها و مجلات - مانند وقف، میراث جاویدان - در این زمینه بوده‌ایم.

یکی از مراکزی که در سالهای اخیر کوششهایی را در انتشار اسناد مصروف کرده «مجمع ذخائر اسلامی» (در قم) است. این مرکز تاکنون چند عنوان از مجموعه‌های اسناد را - که برخی شامل اسناد وقف نیز می‌باشند - منتشر کرده است. از جمله این موارد می‌توان به عناوین زیر اشاره کرد: مجموعه اسناد افشین عاطفی (قم، ۱۳۸۵)، اسناد آشتیان (قم، ۱۳۸۵)، اسناد قاجاری در مجمع ذخائر اسلامی (قم، ۱۳۸۶)، اسناد شرعی در کتابخانه میرزا محمد کاظمینی (قم و یزد، ۱۳۸۷).

تا جایی که نویسنده این سطرها دیده، کتابهایی که مجمع ذخائر تاکنون در این زمینه منتشر کرده است صرفاً شامل تصاویر اسناد بوده است؛ یعنی شکل بازخوانی شده سندها به همراه تصویر آنها درج نشده است. با این حساب کتاب مورد گفتگوی ما - یعنی اسناد موقوفات اصفهان - نخستین عنوان از مجموعه اسناد چاپ شده مجمع ذخائر است که همراه با متن بازخوانی شده اسناد منتشر می‌شود. نخستین و دومین دفتر این مجموعه پیش از این به سال ۱۳۸۷ش منتشر شده و اینک (سال ۱۳۸۸ش) هفت دفتر دیگر - دربرگیرنده دفترهای سوم تا دهم - به صورت یکجا منتشر شده است.



سرپرست علمی کار - آقای سید صادق اشکوری - در دیباجه نخستین جلد به توصیف ویژگیهای مجموعه و شیوه کار مجمع ذخائر اسلامی در بازخوانی وقفنامه‌ها پرداخته‌اند. بر اساس توضیحات ایشان، کل این مجموعه دربرگیرنده حدود ۸۰۰ نامه وقف است که محدوده زمانی میان صفویه تا دوران معاصر را در بر می‌گیرد. این اسناد

متعلق به اداره کل اوقاف و امور خیریه استان اصفهان است که عملی شدن این کار با همراهی و زیر نظر این اداره انجام شده است.

کار بررسی این مجموعه ابتدا با عکسبرداری دیجیتالی از اسناد آغاز گشته و در مراحل بعدی با استفاده از همین تصاویر به بررسی و بازخوانی سندها پرداخته شده است. برای این کار، گروهی از کارشناسان مجمع ذخائر به بررسی و بازخوانی اسناد پرداخته‌اند. بازخوانی این اسناد شامل خواندن متن وقفنامه‌ها، سجلات، سجع مهرها و عموماً تمامی اطلاعات مکتوب مندرج در اسناد بوده است.

با توجه به برخی ویژگیهای مجموعه - که در دیباجه کتاب تشریح شده - بازخوانی سندها دارای ترتیب خاصی نیست؛ یعنی ترتیب آنها نه بر پایه شماره اسناد است و نه بر اساس تاریخ آنها؛ بلکه انتشار اسناد با توجه به آماده شدن و پایان یافتن بازخوانی هر سند انجام شده است و لذا برای نویسنده این سطرها روشن نشده است که تا اینجا کار - یعنی انتشار دهمین دفتر - چه تعداد از سندها بازخوانی شده است. آنچه از قرائن برمی‌آید اینکه کار هنوز به پایان نرسیده و باید منتظر انتشار دفترهای دیگری از این مجموعه باشیم.

انتشار اصل اسناد همراه با متن بازخوانی شده آنها می‌تواند الگوی مناسبی برای آموزش سندخوانی به دانشجویان در رشته‌های مرتبط باشد.

یکی از مهمترین کارهایی که می‌بایست همراه با انتشار چنین مجموعه‌هایی صورت گیرد، تهیه نمایه‌های کارآمد برای استخراج اطلاعات مندرج در اسناد است. نمایه را می‌توان کلید دستیابی به گنجینه‌های هر متنی به شمار آورد و آنگونه که سرپرست علمی مجموعه در دیباجه نخستین جلد اشاره کرده است، این کار در دست اقدام است و نمایه‌های کل اسناد به صورت یکجا منتشر خواهد شد.

انتشار چنین مجموعه‌ای - صرف‌نظر از هر کاستی که ممکن است در آن یافت شود - می‌تواند منابع دست اول و مهمی را در دسترس پژوهشگران قرار دهد. در میان این سندها می‌توان دانسته‌های فراوانی درباره اوضاع فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و... به‌ویژه در محدوده شهر (/ استان) اصفهان به دست آورد و انتشار آن، گام بزرگی است که در جهت شناسایی اسناد بازمانده از ادوار پیشین برداشته شده است.

ع. ص

فهرست اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی،  
تألیف عمادالدین شیخ‌الحکامی، کتابخانه،  
موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی،  
تهران، ۱۳۸۷ش.

«سند»ها از جمله منابع اصیل و دست اول در بررسی‌های تاریخی و اجتماعی دوره‌های پیشین به شمار می‌آیند؛ با این وجود، در پژوهش‌های معاصر به این منبع اطلاعاتی کمتر توجه شده است.<sup>۱</sup>

البته ساختارهای ویژه اسناد نیز در این امر بی‌تأثیر نیست چرا که هر سند شامل یکی دو برگه می‌باشد که نگهداری آن آسان نبوده و آسیب‌پذیر است. عوامل بیرونی نیز در کم‌شمار بودن اسناد بازمانده از دوره‌های پیشین مؤثر بوده است که از مهمترین آنها بی‌ثباتی و پرشمار بودن حکومت‌های مسلط بر ایران — بویژه در چند سده اخیر — و بی‌توجهی حکومت‌های تازه به دوران رسیده نسبت به اسناد صادر شده از سوی حکومت‌های پیشین بوده است.

در این میان البته باید به نوع اسناد نیز توجه داشت. برای نمونه سند «اقطاع» از آنجا که یک سند حکومتی بوده و حکم شرعی ندارد، زودتر از حیطة انتفاع خارج می‌شد اما اسناد مالکیت یا وقف — که دارای جنبه شرعی بوده و ارتباطی به حکومتها ندارد — در انتقال قدرتها کمتر مورد تعرض واقع می‌شد. با توجه به همین موضوع، بیشتر اسنادی که امروزه به دست ما رسیده مربوط به مالکیتها می‌باشد.

نکته دیگری که موجب شده تا در میان پژوهشگران به اسناد کمتر توجه شود، نبودن اندیشه نظام‌مند برای فهرست‌نویسی اسناد است. می‌دانیم که فهرست‌نویسی اسناد بسیار دشوار و وقت‌گیر است و نمونه‌های کم‌ارزش نیز در میان آنها — به‌ویژه اسناد متأخر — فراوان است؛ به همین دلیل در دهه‌های اخیر اولویت اصلی فهرست‌نویسی به نسخه‌های خطی داده شده است و توجه به اسناد در درجه‌های بعدی قرار گرفته است. با این توصیفات می‌توان گفت که مهمترین دشواری پیش روی پژوهشگران در به‌کارگیری اسناد، در دسترس نبودن فهرست‌های کارآمد از مندرجات این منابع است.

فهرستی که در اینجا قصد شناساندن آن را داریم یکی از معدود فهرست‌های اسناد — و گویا نخستین

فهرست از این نوع — می‌باشد که در ایران به چاپ رسیده است.

این فهرست به شناسایی یکی از مجموعه‌های کم‌نظیر اسناد در ایران می‌پردازد. مجموعه‌ای که از دوره صفویه در آستانه شیخ صفی‌الدین اردبیلی (د ۷۳۵ق) نگهداری شده است و در نخستین سالهای سده حاضر پراکنده شده و به برخی موزه‌ها و مراکز نگهداری اسناد منتقل شده است.

مهمترین بخشهای این مجموعه هم‌اکنون در چهار مرکز اصلی در داخل ایران نگهداری می‌شود و خوشبختانه تمامی اسناد پراکنده در این مجموعه‌ها در فهرست مورد گفتگوی ما به‌صورت یکجا شناسانده شده است. اسناد هر مجموعه در پی یکدیگر شماره‌گذاری شده و مشخصات اسناد موجود در چهار مجموعه داخلی به تفکیک موجودی به دنبال هم درج شده است. در این میان، اسناد دو مجموعه — یعنی بقعه شیخ صفی و موزه آذربایجان — همراه با یکدیگر درج شده است. برای هر کدام از سندها یک شماره اختصاص یافته که ترتیب این شماره‌ها به تفکیک هر مجموعه بدین‌قرار است:

۱. موزه ملی ایران: اسناد شماره ۱ تا ۵۵۱.  
۲. سازمان اوقاف و امور خیریه: اسناد شماره ۵۵۲ تا ۶۶۵.

۳. بقعه شیخ صفی‌الدین و موزه آذربایجان: اسناد ۶۶۶ تا ۷۱۱.

چنانکه مؤلف فهرست در مقدمه کتاب (ص «ببست») یادآور شده‌اند، بخش اعظم اسناد موجود در این مجموعه با بقعه شیخ صفی‌الدین و املاک و موقوفات آن دارای ارتباط موضوعی مستقیم نیست اما شاید بتوان با بررسی‌های بیشتر به ارتباط میان این اسناد با بقعه مذکور پی برد. مثلاً ممکن است

۱. البته بخشی از این اسناد که مرتبط با جریانهای سیاسی و ارتباطات ایران با کشورهای همسایه بوده است، توسط پژوهشگرانی چون زنده‌یاد دکتر عبدالحسین نوائی به چاپ رسیده است. ایشان این اسناد را به ترتیب دوره‌های تاریخی و یا اسناد مربوط به برخی پادشاهان — چون شاه عباس صفوی — تنظیم و چاپ کرده‌اند که از جمله آنها می‌توان به کتاب اسناد و مکاتبات تاریخی ایران از تیمور تا شاه اسماعیل (بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۶ش) اشاره کرد.





این اسناد مربوط به پیشینهٔ املاک و موقوفات بقعه بوده باشد که هم‌اکنون جزو آن به شمار نمی‌آیند اما روزگاری با بقعه ارتباط داشته‌اند.

آنگونه که از بررسی اسناد برمی‌آید، بیشتر اسناد مربوط به مالکیت و موارد وابسته بدان می‌باشد؛ مثلاً بسیاری از اسناد، مربوط به «مبیعه‌نامه»ها بوده و اکثر «اقرارنامه»ها نیز مرتبط با اقرار یک یا چند نفر به مالکیت شخص یا اشخاصی بر یک ملک می‌باشد. این مطلب با توجه به آنچه دربارهٔ شرعی بودن و حکومتی بودن برخی اسناد گفتیم منطقی می‌نماید. با این حال، بخش قابل توجهی از اسناد این مجموعه مربوط به سندهای صادر شده از سوی دواوین حکومتی است که نمونه‌های جالب توجهی از این‌گونه اسناد دیوانی را در بر می‌گیرد. برای نمونه سندهای صادر شده از سوی شاهرخ بهادرخان تیموری (شماره‌های ۵۰۶ و ۵۰۷)، امیرچوپان از سوی ابوسعید بهادرخان ایلخانی (شمارهٔ ۴۴۹)، شاه اسماعیل صفوی (شمارهٔ ۵۱۱) و نیز سند صادر شده از سوی شاه طهماسب صفوی (شمارهٔ ۵۱۵) را می‌توان یاد کرد. این نمونه‌ها می‌تواند منبع خوبی در شناسایی شیوه‌های سندنویسی در دوره‌های مختلف تاریخی در ایران باشد.

کتاب حاضر با مقدمه‌ای به قلم مؤلف فهرست آغاز می‌شود. آقای شیخ‌الحکمایی در دیباجهٔ کتاب به بیشتر زوایای کار پرداخته و مجموعه را به خوبی توصیف کرده و سندهای چاپ شدهٔ این مجموعه و همچنین پراکندگی سندها را در مجموعه‌های دیگر شناسانده‌اند. ایشان همچنین مواردی را دربارهٔ ویژگیهای اسناد این مجموعه توضیح داده و اطلاعات گوناگونی را که می‌توان از این سندها استخراج کرد توصیف کرده‌اند. این بخش می‌تواند راهنمای خوبی برای پژوهشگران هنگام استخراج مطالب از این اسناد باشد.

آقای شیخ‌الحکمایی در مقدمه به شیوهٔ کار خود در فهرستنویسی پرداخته و برخی اصطلاحات مورد استفاده در متن فهرست را تشریح کرده‌اند. همچنین توضیحاتی را دربارهٔ اطلاعات اصلی مندرج در فهرست به دست داده‌اند. در پایان مقدمه نیز بخشی را به عنوان «مقدمه‌ای بر نمایه‌ها» افزوده‌اند و شیوهٔ کار خود را در تنظیم نمایه‌ها تشریح کرده‌اند. این بخش را — در عین

اختصار — می‌توان راهنمای خوبی در استخراج نمایه‌ها برای آثار گوناگون به شمار آورد.

اهمیت تهیهٔ نمایه‌های گوناگون و دقیق برای آثاری چون اسناد بر آگاهان پوشیده نیست و باید گفت که از مهمترین ویژگیهای فهرست حاضر، نمایه‌های گوناگونی است که برای هر دسته از آگاهیهای مندرج در اسناد به دست داده شده است. برای نمونه در نمایهٔ «کسان» در برابر هر کدام از نامها به تاریخ مندرج در سند اشاره شده تا محدودهٔ زندگی این افراد مشخص باشد. همچنین هر کدام از نامها به شیوه‌های گوناگونی در جایهای مختلف ثبت شده است تا جستجوی نام هر شخص بر اساس اجزای نام او امکانپذیر شود.

نمایه‌های اثر عبارت‌اند از: کسان، القاب (آنها که به «الدین» ختم می‌شود)، کنیه‌ها، جایها، نمایهٔ نوعی جایها (مثلاً بازار، دیه، محله و ...)، نمایهٔ تاریخ اسناد.

در بخش اصلی فهرست نیز مشخصات اصلی هر کدام از سندها به دست داده شده است. برخی از این مشخصات در بیشتر سندها مشترک است. برای نمونه «تاریخ سند»، «نوع سند» (مبیعه‌نامه، وقف‌نامه، اقرارنامه و ...)، «زبان سند» (فارسی، عربی، ترکی و ...)، «اندازهٔ سند» و مواردی از این دست. برخی از مشخصات نیز بسته به نوع سند متغیر است (مانند «فروشنده» و «خریدار» در مبیعه‌نامه‌ها و «مقر» در اقرارنامه‌ها). در این موارد، مشخصات اصلی مندرج در هر سند استخراج شده و در فهرست ثبت شده است.

آنها که با این‌گونه پژوهشها آشنا هستند می‌دانند که بررسی این حجم از اسناد مربوط به دوره‌های گوناگون تا چه اندازه دشوار و وقت‌گیر است. مؤلف چنین فهرستی ناگزیر است تا برای گردآوری این اطلاعات متن هر سند را کاملاً مورد بررسی قرار دهد. فی‌الجمله با انتشار این فهرست سودمند، کلیدی برای پژوهش بر روی اسناد این مجموعه به دست داده شده است که می‌تواند دستگیر پژوهشگران باشد.

جا دارد که انتشار این اثر را به مؤلف آن تبریک گفته و همچنین از کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی به دلیل پشتیبانی از انتشار این‌گونه آثار پژوهشی سپاسگزاری شود.

ع. ص

## پایان‌نامه‌های تصحیح نسخ خطی در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد

سلمان ساکت\*

تصحیح نسخ خطی در دانشگاه فردوسی مشهد پیشینه‌ای طولانی و درخشان دارد. وجود استادان بنامی چون زنده‌یادان علی‌اکبر فیاض، احمدعلی رجایی بخارایی، غلامحسین یوسفی و از شاگردان این بزرگواران، دکتر محمدجعفر یاحقی، سبب شده است تا این دانشگاه همواره یکی از قطب‌های مطرح در عرصه تصحیح نسخ خطی باشد. از سوی دیگر همجواری با کتابخانه آستان قدس رضوی که مجموعه‌ای ارزشمند و نفیس از نسخه‌های خطی را در خود جای داده است، انگیزه‌ای مهم و بستری مناسب برای کوشش در زمینه تصحیح نسخ خطی بوده است. جالب آنکه با وجود تمام این شرایط و شاید بیشتر به سبب شمار اندک دانشجویان مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد در گذشته، تعداد پایان‌نامه‌هایی که در عرصه تصحیح انتخاب و راهنمایی شده است، چندان قابل توجه نیست و تنها در دو سه سال اخیر است که با اهتمام و توجه ویژه دکتر یاحقی دانشجویان بیشتری به‌ویژه در دوره کارشناسی ارشد بر آن شده‌اند تا تصحیح نسخه‌های خطی را موضوع پایان‌نامه خود قرار دهند.

در این نوشته که به سفارش مرکز پژوهشی میراث مکتوب تهیه شده است، فهرستی از پایان‌نامه‌های تصحیح نسخ خطی در دانشگاه فردوسی مشهد به همراه معرفی اجمالی نسخه‌های مورد استفاده آنها فراهم گشته و در چهار بخش پایان‌نامه‌های دوره دکتری، پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی ارشد، پایان‌نامه‌های در دست اجرا و پایان‌نامه‌های قدیم و یا مرتبط با موضوع تصحیح دسته‌بندی شده است.

شایسته است همین جا از همکاری و همیاری بی‌دریغ کتابداران محترم کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، به‌ویژه کتابداران بخش مرجع، سپاسگزاری کنم.

الف. پایان‌نامه‌های دوره دکتری (به ترتیب تاریخ دفاع)

۱. فاطمی، سید حسین، «تصحیح و تحشیه و توضیح اشعة‌اللمعات جامی»، استاد راهنما: سید جلال‌الدین آشتیانی، ش ث: ۱۳۲، ۱۳۶۳، ش، ۲۹۰ص.

مقدمه از صفحه یک تا چهل‌ودو شامل معرفی کتاب لمعات عراقی و اشعة‌اللمعات جامی و شرح زندگی و آثار عبدالرحمان جامی و معرفی چاپهای مختلف اشعة‌اللمعات.

مصحح از نه نسخه به شرح زیر استفاده کرده است:

۱. نسخه کتابخانه ملک به تاریخ ۸۹۰ ق که در فهرست منزوی به شماره ۹۴۷۰ آمده است.

۲. نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی که در فهرست منزوی به شماره ۹۴۸۷ آمده و تاریخ کتابت آن احتمالاً قرن دهم هجری است.

۳. نسخه دیگر کتابخانه آستان قدس رضوی که بخشی است از نسخه‌ای به شماره ۴۶۱۴ و به تاریخ ۱۲۳۱ ق.

۴. نسخه دیگر کتابخانه ملک به تاریخ ۹۰۹ ق که در فهرست منزوی به شماره ۹۴۷۳ آمده است.

۵. نسخه کتابخانه مجلس به تاریخ ۱۰۴۲ ق، اما چون دارای دو سه خط مختلف است، گمان می‌رود که قسمت نخست نسخه در زمان حیات جامی نوشته شده است.

۶. نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به تاریخ ۹۷۰ ق که در ضمن کلیات جامی آمده و در فهرست منزوی به شماره ۹۴۷۶ ثبت شده است.

۷. نسخه دیگر کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به تاریخ ۸۷۷ ق که در ضمن کلیات جامی آمده و در فهرست منزوی به شماره ۹۴۶۸ ثبت شده است.

۸. نسخه‌ای که در شماره ۹۴۷۱ فهرست منزوی معرفی شده و تاریخ تحریر آن ۸۸۶ ق است.

۹. نسخه کتابخانه مجلس که تاریخ کتابت ندارد. مصحح تعلیقاتی نسبتاً مفصل برای کار خود فراهم آورده است.

\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد.



۲. نسخه کتابخانه پادشاهی برلین به شماره ۵۴۲ به تاریخ ۹۶۲ق.

۳. نسخه کتابخانه مجلس به شماره ۲۸۹۴ که تاریخ ندارد اما احتمالاً پیش از سده دوازدهم هجری نوشته شده است.

۴. نسخه کتابخانه وزیری یزد که میکروفیلم آن به شماره ۶۹۳ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است و احتمالاً در قرن دوازدهم هجری نوشته شده است.

۵. نسخه دیگر کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۹۶۸۵ که نونویس است و از نظر نسخه‌شناسی ارزش چندانی ندارد.

مصحح برای کار خود تعلیقات گسترده و فهرست آیات، احادیث و اشعار تدارک دیده است.

۴. ابوخلف، عارف، «تحسین و تقبیح، مقدمه تصحیح و تعلیقات»؛ استاد راهنما: سید حسین فاطمی، استادان مشاور: سیدرضا انزابی نژاد و محمدجعفر یاقی، ش ت: ۶، ۱۳۷۸ش، ۴۸۲ص.

مقدمه از صفحه یک تا هشتادوپنج شامل شرح حال ابومنصور ثعالبی و بررسی تاریخی - اجتماعی روزگار وی همراه با معرفی مؤلفان او. مصحح در کار خود از نسخه منحصره فرد کتابخانه فاتح ترکیه به شماره ۳۷۱۴ استفاده کرده که میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. او در پایان تعلیقاتی گسترده همراه با فهرستهایی متنوع شامل آیات، احادیث، گفتار ائمه اطهار، خلفا و بزرگان دین، امثال، اشعار و مصراعها، اعلام، ادیان، طوائف، قبایل، مذاهب و زبانها، اماکن، کتابها، واژه‌ها و ترکیبات فارسی و واژه‌ها و ترکیبات عربی - فارسی فراهم کرده که بسیار سودمند است.

این پایان‌نامه در سال ۱۳۸۵ در مجموعه آثار مرکز پژوهشی میراث مکتوب چاپ شده است.

۵. محمدزاده رضایی، سید عباس، «تصحیح انتقادی نسخه خطی قصص الانبیای بوشنجی، اثر ابوالحسن بن هیصم بوشنجی»، استاد راهنما: محمد مهدی ناصح، استادان مشاور: سیدرضا انزابی نژاد و محمدجاوید صباغیان، ش ت: ۳۶۲، ۱۳۷۹ش، ۷۹۸ص.

مقدمه از صفحه یک تا صفحه صدوده شامل معرفی مؤلف

۲. اردلان جوان، سیدعلی، «دستوراللغة (تصحیح)، اثر بدیع الزمان ابو عبدالله حسین بن ابراهیم معروف به ادیب نطنزی»، استاد راهنما: محمد مهدی رکنی یزدی، استادان مشاور: محمدجعفر یاقی و تقی وحیدیان کامیار، ش ت: ۱۳، ۱۳۷۴ش، ۹۳۹ص، همراه با مقدمه.

مقدمه شامل بحثی درباره چگونگی پیدایش لغتنامه‌های عربی، معرفی ادیب نطنزی و آثار او و معرفی کتاب دستوراللغة.

مصحح از میان نسخ فراوان کتاب از پنج نسخه زیر در تصحیح خود بهره گرفته است:

۱. نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی (سنای سابق) به تاریخ ۵۴۹ق که خلاصه‌ای از دستوراللغة به حساب می‌آید و کهن‌ترین نسخه شناخته شده آن است.

۲. نسخه کتابخانه سازمان لغتنامه دهخدا به تاریخ ۵۹۲ق که چون کاتب آن از سواد فارسی کم بهره و از عربی بی بهره بوده، چندان نفیس به شمار نمی‌آید.

۳. نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۱۹۷۶ به تاریخ ۵۹۴ق که مشکول است و به سبب قدمت و صحت و کامل بودن اساس کار مصحح قرار گرفته است.

۴. نسخه مجلس شورای ملی به شماره ۸۰۹۱ که طرز تحریر آن به کتب خطی سده ششم یا آغاز قرن هفتم شباهت دارد.

۵. نسخه کتابخانه ملک به شماره ۴۰۱ و به تاریخ ۶۴۳ق که از آغاز افتادگی دارد.

در پایان مصحح فهرستی از واژه‌های عربی و لغات و ترکیبات فارسی فراهم آورده که بسیار سودمند است. این پایان‌نامه در سال ۱۳۸۵ در مجموعه انتشارات آستان قدس رضوی به چاپ رسیده است.

۳. اختیاری، زهرا، «قصص انبیاء، اثر عبداللطیف بیرجندی متخلص به لطیفی»، استاد راهنما: محمدجاوید صباغیان، استادان مشاور: محمد مهدی ناصح و سیدرضا انزابی نژاد، ۱۳۷۷ش، ۶۹۴ص.

مقدمه از صفحه یک تا هفتاد و هفت شامل شرح احوال و زندگی عبداللطیف و معرفی آثار وی.

مصحح از پنج نسخه به شرح زیر بهره گرفته است:

۱. نسخه آستان قدس رضوی به شماره ۶۸۳۳ به تاریخ ۹۴۷ق که اساس کار مصحح بوده است.

و مترجم کتاب و مقایسه آن با سایر قصص الانبیاء.

مصحح از دو نسخه در کار خود استفاده کرده است:  
۱. نسخه کتابخانه شاهی [سلطنتی] کابل که میکروفیلم آن در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. تاریخ کتابت این نسخه به دلیل ناخوانایی، آبرفتگی و وصالی مشخص نیست اما احتمالاً متعلق به نیمه قرن هفتم است. این نسخه اساس کار مصحح بوده است.  
۲. نسخه کتابخانه کمبریج به شماره (۱۲)J۱۲ و به تاریخ ۱۷۳۱ق که متعلق به ادوارد براون بوده است. این پایان نامه در سال ۱۳۸۴ در سلسله انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد به چاپ رسیده است.

۶. **رویانی، وحید، «تصحیح سامنامه و تحقیق درباره آن»، استاد راهنما: سیدعباس محمدزاده رضایی، استادان مشاور: سیدرضا انزلی نژاد و محمدرضا راشد محصل، ۱۳۸۶ش، ۶۶۲ص.**

مقدمه از صفحه یک تا نودوپنج شامل ضرورت تصحیح سامنامه و پیشینه آن، بررسی انتقادی سراینده سامنامه و ویژگیهای سبکی و دستوری آن. مصحح در مقدمه خود نتیجه گرفته است که سامنامه سروده خواجوی کرمانی نیست و به احتمال زیاد به یک شاعر تعلق ندارد و اثری است متعلق به ادب عامیانه که در بین مردم رواج داشته و هر نقالی به فراخور توان و ذوق خود بخشی از آن را منظوم کرده و به داستان افزوده است.

مصحح به نسخه‌های زیر دسترسی داشته است:

۱. نسخه کتابخانه مینوی به شماره ۱۱۵ که تاریخ کتابت ندارد ولی متعلق به سده یازدهم هجری است.  
۲. کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۲۵۲۶ که تاریخ کتابت ندارد اما احتمالاً متعلق به سده یازدهم هجری است.

۳. نسخه متعلق به محمدحسن خان مسعودی خراسانی که تاریخ کتابت ندارد و از شیوه نگارش و خط آن پیداست که باید متعلق به دوره صفوی باشد.

۴. نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۳۹۹ که تاریخ کتابت ندارد.

۵. نسخه کتابخانه بادلیان به شماره ۲۶۲۵۴۴.c که میکروفیلم آن به شماره ۱۲۱۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است و افزون بر سامنامه،

کک کهزاد، بهمن نامه، برزنامه و بانو گشسب نامه را هم دربردارد.

۶. نسخه کتابخانه لاهور پاکستان که از آغاز و انجام افتادگی دارد و احتمالاً تاریخ کتابت آن بعد از قرن یازدهم است.

مصحح سه نسخه کتابخانه مجلس به شماره ۳۹۹ و میکروفیلم نسخه کتابخانه بادلیان و نسخه کتابخانه لاهور را به دلیل تفاوت‌های بنیادین با دیگر نسخ کنار گذاشته و بر اساس دو نسخه مینوی و کتابخانه مجلس به شماره ۲۵۲۶ به تصحیح سامنامه به شیوه التقاطی همت گماشته و در کار خود از نسخه متعلق به کتابخانه سعودی، چاپ سنگی هند و همای و همایون چاپ کمال عینی به عنوان نسخه‌های فرعی کمک گرفته است.

۷. **مجیدی، فاطمه، «تحقیق در احوال و آثار بدرشروانی همراه با تصحیح مجدد دیوان شاعر»، استاد راهنما: سید حسین فاطمی، استادان مشاور: سیدرضا انزلی نژاد و عبدالله رادمرد، ۱۳۸۸ش، ۷۱۵ص همراه با مقدمه. مقدمه شامل زندگی و احوال و آثار بدر شروانی و بررسی اشعار او.**

مصحح در کار خود از نسخه منحصر به فرد کتابخانه ابوریحان بیرونی تاشکند به شماره ۱۳۲ استفاده کرده است که بنا به ماده تاریخ موجود در بیتی سست در پشت برگه پایانی نسخه، احتمالاً تاریخ کتابت آن ۱۳۲۹ق است.

افزون بر این مصحح از نسخه چاپی مسکو که در سال ۱۹۸۵م توسط انستیتو خاورشناسی شوروی سابق و به انتخاب ابوالفضل هاشم اوغلی رحیموف و به خط هرمز عبدالله زاده فریور و زیر نظر احمد شفایی و یوسف حمزه‌لو کتابت و چاپ شده، بهره برده است. هزینه تهیه تصویر این نسخه را مرکز پژوهشی میراث مکتوب تأمین کرده است.

۸. **میا، محمدحسن‌الدین، «تصحیح دیوان سراج‌الدین فریدپوری و تحقیق پیرامون آن»، استاد راهنما: سیدحسین فاطمی، استادان مشاور: سیدعباس محمدزاده و محمدعلی غلامی نژاد، ش ث (در گروه): ۲۳۰، ۱۳۸۸ش، ۱۲۷ص.**

مقدمه از صفحه یک تا هشتاد شامل شرح احوال و آثار



سراج‌الدین و ویژگی‌های سبکی و ادبی دیوان او. مصحح از نسخه منحصر به فرد به شماره HR-۲۵ که در کتابخانه مرکزی دانشگاه داکا نگهداری می‌شود، بهره گرفته است. تاریخ کتابت نسخه ۱۲۹۶ ق برابر با ۱۸۷۸ م است و به خط نستعلیق نوشته شده است. مصحح در پایان تعلیقاتی بسیار اندک و فهرستی از واژگان مشترک فارسی و بنگالی به همراه فهرست اعلام به دست داده است.

## ب. پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی ارشد (به ترتیب تاریخ دفاع)

۱. یاحقی، محمدباقر، «[تصحیح و تنقیح] دیوان اشعار نثاری تونی»، استاد راهنما: محمدمهدوی رکنی، استاد مشاور: محمدمهدی ناصح، ش ت: ۱۸۶، ۱۳۷۱ش، ۳۶۳ص. مقدمه از صفحه یک تا بیست و نه شامل زندگی و سبک شعری نثاری.

مصحح از دو نسخه بهره گرفته است:  
۱. نسخه شماره ۲۴۹۷ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که پنج‌هزار بیت دارد و فاقد تاریخ کتابت است ولی احتمالاً در قرن دوازدهم نوشته شده و اساس تصحیح بوده است.  
۲. نسخه شماره ۳۲۸۵ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که سه‌هزار بیت دارد و احتمالاً در قرن یازدهم کتابت شده است. مصحح تعلیقاتی نسبتاً مفصل برای کار خود فراهم کرده است.

۲. ستوریان، مهدی، «تصحیح و تعلیق مثنوی نقش بدیع، اثر غزالی مشهدی»، استاد راهنما: محمدجعفر یاحقی، استاد مشاور: محمدمهدی ناصح، ش ت: ۹۲، ۱۳۷۲ش، ۳۲۳ص، همراه با مقدمه. مقدمه شامل شرح احوال و زندگی غزالی مشهدی و آثار منظوم و منثور او، سبک شعری و توضیحاتی درباره نقش بدیع و تقلید وی از مخزن‌الاسرار نظامی. مصحح از پنج نسخه بهره گرفته است:  
۱. نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۹۰۸۱

و به تاریخ ۱۰۱۳ ق که اساس کار مصحح بوده است.  
۲. نسخه کتابخانه کاخ گلستان به شماره ۴۶۲ (۶۰۸ف) به خط نستعلیق و با سه مجلس مینیاتور به تاریخ ۱۰۲۰ ق.

۳. نسخه دیگر کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۲۸/۲۶۶۵ که ظاهراً تاریخ کتابت ندارد اما در فهرست نسخه‌های خطی فارسی متعلق به سال ۱۰۶۰ ق دانسته شده است.

۴. نسخه کتابخانه ملی ملک که در ضمن جنگی به شماره ۲۰/۴۰۷۶ ثبت شده است و تاریخ کتابت ندارد اما در فهرست نسخه‌های خطی فارسی متعلق به سده یازدهم دانسته شده است.

۵. نسخه کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی به شماره ۲۷۵ که در زمره نسخه‌های خطی هدایی شادروان محمود فرخ است. این نسخه در اصل دستنویس خود فرخ از روی نسخه اساس است که آن را در سال ۱۳۱۰ ق به پایان برده است.

مصحح برای کار خود تعلیقات، واژه‌نامه، فهرست اعلام تاریخی و جغرافیایی، فهرست آیات و احادیث تعلیقات و فهرست کنایات و کشف‌الابیات تدارک دیده است.

۳. شماعیان رضوی، مریم، «تصحیح و تعلیق دیوان اشعار ولی دست بیاضی»، استاد راهنما: محمدمهدی ناصح، استاد مشاور: محمدجعفر یاحقی، ش ت: ۱۹۴، ۱۳۷۵ش، ۴۶۸ص.

مقدمه از صفحه یک تا شصت و پنج شامل شرح احوال و آثار ولی دشت بیاضی، سبک شعری و ارزیابی و نقد شعر او. مصحح در کار خود از هفت نسخه به شرح زیر بهره گرفته است:

۱. نسخه کتابخانه موزه بریتانیا به شماره ۹۴۶۶.01 که اساس کار مصحح بوده است.

۲. نسخه محفوظ در کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار سابق) به شماره ۲۸۴ و به تاریخ ۱۰۲۵ ق که ضمیمه دیوان ثنایی مشهدی است و در فهرست آن کتابخانه به اشتباه به نام اثیرالدین اومانی ثبت شده است.

۳. نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۶۰۹۳ و به تاریخ ۱۰۲۶ق که دیوان نوری اصفهانی و دیوان محمد صوفی ضمیمه آن است.

۴. نسخه کتابخانه ملی ملک به شماره ۵۳۸۱ و به تاریخ ۱۲۶۱ق که گویا از روی نسخه اساس کتابت شده است.

۵. نسخه کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی به شماره ۱۶۶ و به تاریخ ۱۰۸۵ق که متعلق به شادروان محمود فرخ بوده است.

۶. نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۲۹۳۹ که گزیده‌ای از اشعار شاعر است و تاریخ کتابت ندارد اما در فهرست کتابخانه تاریخ کتابت آن سده یازدهم ذکر شده است.

۷. نسخه دیگر کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۲۴۷۳ که برگزیده شعر حدود ۳۵ شاعر را در بر دارد و گزیده‌ای از غزلیات و قصاید ولی در صفحات ۶۴-۱۰۲ در حاشیه نسخه ضبط شده است. این نسخه گویا تاریخ کتابت ندارد.

مصحح توضحات و تعلیقاتی برای اشعار و فهرستی برای اعلام دیوان تهیه کرده است.

۴. خوش‌کنار، حیدرعلی، «تصحیح خاوران‌نامه انیمه نخست»، اثر ابن‌حسام خوسفی، استاد راهنما: محمدمهدی ناصح، استاد مشاور: سیدرضا انزابی‌نژاد، ش: ۶۵، ۱۳۷۶ش، ۵۸۳ص. مقدمه از صفحه یک تا سی و چهار شامل شرح احوال و آثار ابن‌حسام خوسفی.

مصحح از چهار نسخه به شرح زیر استفاده کرده است:

۱. نسخه مصور موزه هنرهای تزئینی تهران به شماره ۷۵۷۰ و به تاریخ ۸۵۴ق.

۲. نسخه موزه بریتانیا به شماره Add. ۱۹/۷۶۶ و به تاریخ ۱۰۹۷ق که عکس آن در کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد موجود است.

۳. نسخه دیوان هند به شماره و نشانه Ethe ۱۸۹۷.o.i.۳۴۴۳، بدون تاریخ.

۴. نسخه دیگر دیوان هند به شماره و نشانه Ethe ۱۸۹۶.o.i.۲۵۵۴ و به تاریخ ۹۶۵ق.

مصحح تعلیقاتی بسیار اندک همراه با فهرست لغات و ترکیبات و فهرست اعلام به پایان‌نامه خود افزوده است.

۵. مرادی، حمیدالله، «تصحیح خاوران‌نامه انیمه دوم»، اثر ابن‌حسام خوسفی، استاد راهنما: محمدمهدی ناصح، استاد مشاور: سیدرضا انزابی‌نژاد، ش: ۱۶۲، ۱۳۷۷ش، ۶۰۹ص.

مقدمه از صفحه یک تا هفتاد و هشت شامل تعریف حماسه، تبیین وضع شعر فارسی در سده نهم هجری، گذری بر احوال و آثار ابن‌حسام و بررسی ویژگی‌های سبکی و محتوایی خاوران‌نامه.

مصحح از چهار نسخه استفاده کرده است:

۱. نسخه مصور موزه هنرهای تزئینی تهران به شماره ۷۵۷۰ و به تاریخ ۸۵۴ق.

۲. نسخه موزه بریتانیا به شماره Add. ۱۹/۷۶۶ و به تاریخ ۱۰۹۷ق که عکس آن در کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی موجود است.

۳. نسخه دیوان هند به شماره و نشانه Ethe ۱۸۹۷.o.i.۳۴۴۳، بدون تاریخ.

۴. نسخه دیگر دیوان هند به شماره و نشانه Ethe ۱۸۹۶.o.i.۲۵۵۴ و به تاریخ ۹۶۵ق.

مصحح تعلیقاتی بسیار اندک و فهرست لغات و ترکیبات و اعلام متن را برای پایان‌نامه خود تدارک دیده است.

مصحح در سال ۱۳۸۲ گزیده‌ای از خاوران‌نامه را در مرکز نشر دانشگاهی به چاپ رسانده است.

۶. فتوحی‌نسب، احمد، «المعجم فی آثار ملوک العجم»، اثر شرف‌الدین فضل‌الله حسینی قزوینی، استاد راهنما: رضا انزابی‌نژاد، ۱۳۷۸ش.

مقدمه شامل بررسی رواج نثر فارسی در دو سده هفتم و هشتم، تاریخ‌نویسی در عهد ایلخانان، گذری بر شرح حال آثار شرف‌الدین و برخی صنایع ادبی قابل توجه در کتاب.

مصحح در کار خود از قدیم‌ترین نسخه شناخته شده کتاب به تاریخ ۸۷۸ق که در کتابخانه ملی تبریز نگهداری می‌شود و از نسخ خطی اهدایی زنده‌یاد نخجوانی است، بهره برده است. او همچنین از دو چاپ سنگی که هیچ



مصحح برای پایان‌نامه خود فهرست آیات، فهرست احادیث و اقوال، فهرست بیتها و مصراعهای فارسی و عربی و فهرست اعلام ترتیب داده است.

۸. دانشور، فریبا، «تصحیح نسخه خطی دیوان صافی اصفهانی»، استاد راهنما: سیدعباس محمدزاده اصفهانی، استاد مشاور: زهرا اختیاری، ش ث: ۶۷، ۱۳۸۴ش، ۷۳۹ص.

مقدمه از صفحه یک تا صدوشش، شامل بررسی منابع درباره صافی اصفهانی، زندگی و احوال صافی، شعر بازگشت و بررسی اشعار صافی، مصحح از هفت نسخه استفاده کرده است:

۱. نسخه کتابخانه کاخ گلستان (سلطنتی) به شماره ۴۲۷ و به تاریخ ۱۲۲۵ق.

۲. نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۰۰۹ و به تاریخ ۱۲۵۶ق که تنها دربرگیرنده غزلیات و رباعیات صافی است.

۳. نسخه کتابخانه الهیات دانشگاه تهران به شماره ۲/۱۷۲ که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود و تاریخ کتابت ندارد اما از مقدمه آن بر می‌آید که پس از مرگ فتحعلی شاه (۱۲۵۰ق) نگاشته شده است.

۴. نسخه کتابخانه سنا به شماره ۲۹۹ که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود و در سال ۱۲۴۴ق کتابت شده است.

۵. نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۲۵۰۷ که تاریخ کتابت ندارد.

۶. نسخه کتابخانه ملک به شماره ۵۵۳۸ که تاریخ کتابت ندارد.

۷. نسخه کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی به شماره ۱۴۱ که فاقد تاریخ است و در زمره نسخه‌های اهدایی زنده‌یاد محمود فرخ به شمار می‌آید.

مصحح هیچ‌گونه تعلیقات، توضیحات و یا فهرستی برای پایان‌نامه خود تهیه نکرده است.

۱. از آنجا که این پایان‌نامه در کتابخانه دانشکده و گروه موجود نبود مشخصات نسخه مورد استفاده را از روی نسخه چاپی آن یادداشت کرده‌ام.

مشخصه‌ای از آنها به دست نداده، استفاده کرده است.<sup>۱</sup> مصحح تعلیقاتی نسبتاً اندک همراه با فهرست آیات، لغات و ترکیبات، اشخاص و اقوام و قبایل، جایها و کتب ضمیمه اثر خود کرده است.

این پایان‌نامه در سال ۱۳۸۳ش از سوی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی چاپ شده است.

۷. محمدیان، محمدرضا، «تصحیح رساله لوائح قاضی حمیدالدین ناگوری و تحقیق درباره انتساب آن»، استاد راهنما: عباس محمدزاده رضایی، استاد مشاور: محمدمهدی ناصح، ش ث: ۱۵۴، ۱۳۸۲ش، ۱۹۳ص.

مقدمه از صفحه یک تا چهل‌وهفت شامل بحثی درباره لوائح و بررسی انتساب آن به عین‌القضات همدانی و عبدالملک درکانی، دلایل انتساب لوائح به حمیدالدین ناگوری و شرح احوال و آثار او، بررسی لوائح و اهمیت آن و...

مصحح در کار خود از پنج نسخه به شرح زیر بهره گرفته است:

۱. نسخه کتابخانه ملی پاریس به شماره ۳۸.P.S (بلوشه ۱۱۱.P.S) به تاریخ ۷۷۲ق که اساس کار مصحح بوده است.

۲. نسخه کتابخانه مجلس سنا در مجموعه‌ای به شماره ۱۴۳۱۶ که لوائح دومین بخش آن مجموعه است. تاریخ کتابت این نسخه که میکروفیلمی از آن به شماره ۳۴۹۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران وجود دارد، بر اساس مندرجات فهرست کتابخانه سده دهم هجری است.

۳. نسخه کتابخانه ملی ملک در مجموعه‌ای به شماره ۴۱۹۶ که لوائح نهمین بخش آن است و تاریخ کتابت ۱۰۱۶ق است. میکروفیلمی از این نسخه در کتابخانه آستان قدس وجود دارد.

۴. نسخه کتابخانه سپهسالار در مجموعه‌ای به شماره ۱۳۴۶ که لوائح دومین بخش آن است و تاریخ کتابت ۱۰۲۵ق است.

۵. نسخه فخرالدین نصیری به شماره ۲۳۱ و به تاریخ ۱۲۸۰ که چون جدید بوده، مصحح از آن صرف نظر کرده است.

۹. ساکت، سلمان، «تصحیح تاریخ بیهق و تحقیق درباره آن، اثر ابوالحسن علی بن زید بیهقی»، استاد راهنما: محمدجعفر یاحقی، استاد مشاور: محمدرضا راشد محصل، ۱۳۸۶ش، ۵۸۱ص.

مقدمه شامل تواریخ محلی و جایگاه تاریخ بیهق در میان آنها، تاریخ‌نگاری محلی، اهمیت تاریخ بیهق، زندگی‌نامه ابوالحسن بیهقی و نگاشته‌های او و سبک نویسندگی بیهقی.

مصحح به دلیل دشواری دستیابی به نسخه‌ها تصحیح خود را بر اساس دو نسخه چاپی قرار داده است:

۱. چاپ زنده‌یاد احمد بهمینیار بر اساس دو نسخه لندن به تاریخ ۸۳۵ق و نسخه برلین به تاریخ ۱۲۶۵ق و با مقدمه محمد قزوینی، که نخستین بار در سال ۱۳۱۷ش به بازار عرضه شده است.

۲. چاپ قاری کلیم‌الله حسینی به سال ۱۹۶۸ق که افزون بر دو نسخه بالا نسخه تاشکند به تاریخ ۱۰۵۷ق را هم در دست داشته است.

پژوهشگر برای پایان‌نامه خود تعلیقاتی مفصل و گسترده و شانزده فهرست گوناگون شامل آیات، احادیث، نامها، لقبها و نسبها، قبیله‌ها، طایفه‌ها و فرقه‌ها، جایها، اشعار فارسی و تازی، کتابها، مثل‌های فارسی و عربی و... فراهم آورده است.<sup>۱</sup>

۱۰. کرامتی، یعقوب‌علی، «تصحیح منظومه خورشید و مهپاره، اثر محمدسعید حکیم»، استاد راهنما: عباس محمدزاده رضایی، استاد مشاور: زهرا اختیاری، ش ث (در گروه): ۲۳۱، ۱۳۸۸ش، ۱۸۷ص.

مقدمه شامل زندگی و آثار محمدسعید حکیم.

مصحح از چهار نسخه به شرح زیر بهره گرفته است:

۱. نسخه کتابخانه ملی ملک به تاریخ ۱۲۹۵ق که میکروفیلم آن به شماره ۵۲۸۸ در آنجا نگهداری می‌شود.

۲. نسخه دیگر کتابخانه ملی ملک به تاریخ ۱۲۲۸ق که میکروفیلم آن به شماره ۵۲۵۷ در آنجا نگهداری می‌شود.

۳. نسخه دیگر کتابخانه ملی ملک به شماره ۵۳۹۷ متعلق به قرن چهاردهم هجری که از آغاز و انجام افتادگی دارد.

۴. نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۳۱۶۸ و به تاریخ ۱۲۵۵ق.

ج. پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی (به ترتیب تاریخ دفاع)

۱. یزدی‌زاده، رضا، «مقابلۀ دیوان ازرقی هروی»، استاد راهنما: احمدعلی رجایی بخارایی، ۱۳۴۳ش، ۳۶۱ص.

مصحح از دو نسخه استفاده کرده است:

۱. نسخه کتابخانه چستریبیتی به تاریخ ۶۹۹ ق که مجموعه‌ای است شامل دیوان ده شاعر و اساس کار مصحح بوده است.

۲. نسخه عکسی متعلق به کتابخانه موزه بریتانیا به شماره ۳۲۱۳.0۲ که قسمتی است از مجموعه‌ای مشتمل بر دیوان چهار شاعر یعنی ابوالفرج رونی، ازرقی، انوری و بهاء‌الدین عثمان مختاری که در سال ۶۹۳ ق توسط محمدبن شاه‌بن علی بن محمود اصفهانی کتابت شده است.

افزون بر این مصحح از نسخه چاپی سعید نفیسی نیز که بر اساس نسخ سده دهم هجری به بعد فراهم آمده، بهره برده است. او در پایان فهرست مفصلی از لغات و ترکیبات دیوان ازرقی تهیه کرده است.

۲. شفق، اسماعیل، «چهل مجلس، اثر کمال‌الدین محمودبن عمادالدین غجدوانی»، استاد راهنما: محمدمهدی ناصح، ۱۳۶۳ش.

مصحح در کار خود از نسخه منحصره‌فرد شماره ۴۸۹۶ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران استفاده کرده است. او فهرست متنوعی شامل آیات، احادیث، جملات دعایی، اشعار، اشخاص و اماکن برای پایان‌نامه خود تهیه کرده است.

۳. مهاجری، زهرا، «تصحیح مثنوی سلمان و ابدال، اثر عبدالرحمان جامی»، استاد راهنما: محمدمهدی رکنی، ش ث: ۱۶۵، ۱۳۶۴ش، ۳۱۸ص، همراه با مقدمه.

مقدمه شامل سیر زندگی جامی، اعتقادات مذهبی و پایگاه اجتماعی او در تصوف، هنر و شعر در قرن نهم هجری و جایگاه جامی در این میان، جامی از دیدگاه محققان و ادبای ایرانی و اروپایی، سیر تاریخی داستان سلمان و ابدال، کاربرد سمبولیسم در آثار عرفانی، ارزش تمثیلی سلمان و ابدال و... است.

۱. مصحح اخیراً به نسخه‌های سه‌گانه کتاب دست‌یافته و مقابلۀ آنها را به پایان برده است و به زودی آن را برای چاپ به مرکز پژوهشی میراث مکتوب می‌سپارد.





۵. وافی ثانی، مریم، «تصحیح مثنوی طریقت‌نامه عماد فقیه کرمانی»، استاد راهنما: محمدمهدی ناصح، ۱۳۶۷ش.

مقدمه‌ای کوتاه شامل زندگی و آثار فقیه کرمانی. مصحح از سه نسخه خطی و یک نسخه چاپی بهره گرفته است:

۱. نسخه بنگال، آسیایی ۱۴ [ف. بنگال ۱۲۱]، پاکستان،

پنجاب، لاهور که نسخه اساس مصحح بوده است.

۲. نسخه کتابخانه ایاصوفیا به شماره ۴۱۳۱ و به تاریخ

۸۴۱ ق که میکروفیلم آن به شماره ۱۲۶ در کتابخانه

مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

۳. نسخه کتابخانه مجلس به شماره ۱۱۲۲ که تاریخ

کتابت آن احتمالاً ۷۹۴ ق است.

۴. نسخه چاپی پنج گنج عماد فقیه کرمانی، به اهتمام

رکن‌الدین همایونفرخ که از سوی انتشارات دانشگاه

ملی ایران به چاپ رسیده است.

#### د. پایان‌نامه‌های مرتبط با تصحیح و نسخه‌شناسی (کارشناسی قدیم)

۱. کیانی، حسن، «تصحیح و نقد متون ادبی»، استاد راهنما: غلامحسین یوسفی، ۱۳۳۷ش.

این پایان‌نامه شامل تعریف، هدف و فایده تصحیح و نقد متون و اهمیت آن، عواملی که موجب فساد یا هرگونه تغییری در اصل یک اثر می‌شود، تاریخچه نقد و تصحیح متون در اروپا و در ادب عرب و ایران، کارهای خاورشناسان و مطالب دیگر است.

۲. فضل، ضیا، «تحقیق درباره نسخه عکسی دیوان امامی هروی»: استاد راهنما: احمدعلی رجایی، ۱۳۴۳ش.

پژوهنده در این پایان‌نامه نسخه عکسی دیوان امامی هروی را که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۴۷۴۹ نگهداری می‌شود و کپی آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه فردوسی مشهد موجود است، به بررسی گرفته و کوشیده است هویت ناظم آن را مشخص کند و ابیات دشوار آن را شرح نماید. او در اثر خود به این نتیجه می‌رسد که ناظم اشعار احتمالاً «یحیی» نامی است گمنام. همچنین

مصحح در کار خود از پنج نسخه خطی و یک نسخه چاپی بهره گرفته است:

۱. نسخه آکادمی علوم شوروی به تاریخ ۸۹۰ ق که فیلم

آن در دانشگاه تهران به شماره ۱۰۶۲ موجود است.

این نسخه اساس کار مصحح بوده است.

۲. نسخه هفت اورنگ جامی به تاریخ ۹۲۱ ق که در

کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود.

۳. نسخه هفت اورنگ جامی که در پاریس نگهداری

می‌شود و میکروفیلم آن به شماره ۳۷۷۹ در کتابخانه

مرکزی دانشگاه تهران موجود است و تاریخ کتابت آن

احتمالاً قرن دهم هجری است.

۴. نسخه هفت اورنگ موجود در کتابخانه دانشگاه تهران

به تاریخ ۹۶۶ ق که در حاشیه غزلیات جامی نوشته

شده است.

۵. نسخه هفت اورنگ به تاریخ ۱۰۲۳ ق که افتادگیهای

فراوان دارد.

۶. نسخه چاپی سلمان و ابدال با مقدمه رشید

یاسمی که در ۱۳۰۵ش در تهران به چاپ رسیده

است.

این پایان‌نامه شامل تعلیقات و فهرست آیات و احادیث

و اعلام (اشخاص و اماکن) است و در سال ۱۳۷۶ش توسط

نشر نی به بازار عرضه شده است.

۴. عشیق، محمداکبر، «شبستان خیال یا شبستان

نکات و گلستان لغات»، اثر مولانا محمدبن یحیی سبک

نیشابوری، استاد راهنما: سیدحسین فاطمی، ۱۳۶۵ش.

مصحح در کار خود از چهار نسخه به شرح زیر استفاده

کرده است:

۱. نسخه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی

که فاقد تاریخ است، اما بر مبنای کاغذ و رسم‌الخط

اساس کار مصحح قرار گرفته است.

۲. نسخه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد که از

انجام افتادگی دارد و تاریخ کتابت ندارد.

۳. نسخه کتابخانه داتا گنج‌بخش به تاریخ ۱۳۰ ق.

۴. نسخه شرح شبستان نکات و گلستان لغات، اثر حاجی

محمد بهرام‌بن آخوند ملازاده مشتهر به ملازاده غیاث،

به تاریخ ۱۱۴۰ ق.

حدود نیمی از اشعار متعلق به شاعر دیگری به نام رضی‌الدین نیشابوری است.

### هـ. پایان‌نامه‌های در دست انجام الف. دوره دکتری:

۱. کریمیان، نادر، «تحقیق و تصحیح رساله‌های فارسی مولانا یعقوب چرخ‌ی»، استاد راهنما: محمد تقوی، استادان مشاور: سید حسین فاطمی و عبدالله رادمرد.
۲. محمدیان، محمدرضا، «مرآت‌العارفین»، تصحیح متن و تحقیق درباره مسعود بیگ بخاری چشتی و سرچشمه‌های فکری او، استاد راهنما: عبدالله رادمرد، استادان مشاور: سیدحسین فاطمی و محمدرضا راشد محصل.

### ب. دوره کارشناسی ارشد:

۱. بخت‌آور، لیلیا، «تصحیح جلد دوم کتاب نه‌ایة‌المسؤول

۱. فی روایة الرسول و تحقیق درباره آن»، استاد راهنما: محمدجعفر یاحقی، استاد مشاور: عبدالله رادمرد.
۲. قادری‌راد، حسنعلی، «تصحیح انتقادی لمعات فی شرح‌اللمعات»، استاد راهنما: سیدحسین فاطمی، استاد مشاور: زهرا اختیاری.
۳. کریمی، فاطمه، «تصحیح رساله زبده‌البیان فی علم‌الابدان اثر عبدالله بن احمد بن محمد اسفرزی و تحقیق درباره متون طبّی فارسی تا قرن هشتم هجری»، استاد راهنما: سیدحسین فاطمی، استاد مشاور: محمدجعفر یاحقی.
۴. ارگانی، زهرا، «تصحیح و تنقیح نسخه خطی تفسیر سورة یوسف»، اثر علی‌خان خاکی.
۵. مجرد، مجتبی، «جواهرالخیال»، اثر امیرمحمد صالح رضوی، تصحیح و تحقیق پیرامون احوال و آثار مؤلف.
۶. کرد، سارا، «تصحیح دیوان حیدر هروی معروف به کلوج یا کلیچ».

## مراکز فروش آینه میراث و گزارش میراث در تهران و شهرستانها

تهران:

- کتابخانه طهوری: خیابان انقلاب، بعد از خیابان ۱۲ فروردین، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۰۶۳۳۰
- کتابفروشی مولی: خیابان انقلاب، روبروی سینما سپیده، تلفن: ۶۶۴۰۹۲۴۳
- کتابفروشی بیدگل: خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، جنب پاساژ فروزنده، تلفن: ۶۶۴۶۳۵۴۵
- کتابفروشی توس: خیابان انقلاب، ابتدای خیابان دانشگاه، تلفن: ۶۶۴۶۱۰۰۷

قم:

- پل حجتیه، ابتدای خیابان شهید محمد منتظری، جنب فروشگاه بسیج، جنب کوچه هشت، فروشگاه میراث مکتوب، تلفن:

۰۲۵۱-۷۷۴۵۱۶۵

اصفهان:

- خیابان چهارباغ، دروازه دولت، فرهنگسرای اصفهان، تلفن: ۰۳۱۱-۲۲۰۴۰۲۹
- خیابان چهارباغ پایین، روبروی تربیت‌بدنی، مرکز آموزشهای تخصصی حوزه علمی اصفهان، تلفن: ۰۳۱۱-۲۲۲۲۷۸۱

شیراز:

- خیابان طالقانی، روبروی موزه پارس، کتابخانه احمدی، تلفن: ۰۷۱۱-۲۲۲۸۴۳۱



گزارش میراث